

برای اولین بار اعلام کردند و این احتمال وجود دارد که غربی‌ها با این تصور که تاریخ مصرف طالبان تمام شده دأش را در مقابل طالبان تأسیس کردند، آیا این پهنای نمی‌شود تا ام‌یکای به‌زبان دیگر باز تأمین امنیت به این کشور باز گردد. یعنی همان کاری که در ماه‌های اخیر عراق انجام دادند و به پهنانه متقابله با دأش تعدادی از نیروهای خود را وارد عراق کردند؟

طی ۳۰ سال گذشته غربی‌ها در افغانستان بازی‌های مختلفی انجام دادند و به خصوص برای آن‌ها امریکا به یک کشور بازی‌ها از اوج خود رسید. طبیعی است که غربی‌ها از هر شرایطی که بتوانند استفاده می‌کنند تا اهداف خود را پیش ببرند. اینکه تا چه میزان می‌توانند موفق شوند بستگی به اوضاع افغانستان دارد. اینکه افغانستان در دهه‌های گذشته به سطح هشجاری مردم و نخبگان سیاسی کشور غروان از پیشگاه سیاست‌های مختلف شرق و غرب گرفتارفت‌اش از سطح هشجاری با مردم و شخصیت‌های افغانستان بود و اگر این سطح هشجاری در همان‌جا باقی بماند و مردم کشور از مسئولان سیاسی و اسلامی و دینی خودشان وارد عمل نشوند و با هم متحد شوند قطعاً غربی‌ها به خصوص انگلیس و امریکا هر روز بازی جدید را شروع خواهند کرد و از موقعیت استراتژیک افغانستان به نفع اهداف خودشان سوء استفاده می‌کنند.

امروز، افغانستان قربانی موقعیت استراتژیک خود شده است و دندان طمع غربی‌ها در افغانستان به این راحتی‌ها کشیده نمی‌شود. افغانستان الان به عنوان چهارراه اطلاعاتی و سرزمین بسیار ارزان برای غربی‌ها در جهت تربیت تروریست و اعزام آنها به سایر کشورها و هدایت سایر حرکت‌های تروریستی مطرح است. افغانستان مشرف به کشورهای

قدرتمندی است که اهمیت این کشور را دوچندان می‌کند. بانوجه به اعلام سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا چهار کشور قدرتمند اقتصادی (چین، روسیه، هند و ایران) به زودی در شرق ظهور خواهند کرد و آمریکایی‌ها پیش‌بینی کرده‌اند که قدرت غرب به شرق منتقل خواهد شد و به همین منظور در وهله اول، تلاش غربی‌ها این است که فاجعه برای کشور اناپاد کنند و به همین خاطر، گسترش دادن داعش به سمت



کشورهای آسیای مرکزی و حتی خود چین
در این راستا انجام می‌شود تا در این کشورها
منسکلاتی ایجاد کند.
اگر نتوانستند در جهت نابودی این کشورها
عمل کنند حداقل بتوانند آنها را تضعیف
نمایند. حتی اگر نتوانستند آنها تضعیف
کنند حتی آنها را مهار و کنترل کنند و از
قدرت آنها در راستای اهداف غرب استفاده
نمایند. از اینرو برای ضرب زنه به این کشورها
افغانستان بهترین گزینه است تا از طریق
موقعیت افغانستان اهداف خود را عملی کنند.
در پایان از رازی خود را از تحولات
آنی افغانستان خبر میداد.

وضعیت افغانستان در صورتی بهبود می یابد که احزاب، سازمان ها و مردم هشیار باشند و خود را سامان دهند و بر اساس منافع اسلامی خودشان عمل کنند و کشور را از تیررس اهداف و سیاست های نیروهای خارجی نجات دهند. بحث دیگر این است که امنیت افغانستان به تحولات و تعاملات منطقه ای و جهانی بستگی دارد.

اگر وضعیت ایران در مناسبات با غرب بهبود پیدا کند یعنی به اهداف خود خوش برسد و کشورهای غربی به نسبت به خواسته‌های ایران در رابطه با بحث هسته‌ای تمکین کنند و وضعیت و سرها به بهبود پیدا کند اوضاع افغانستان نیز تحادی بهبود می یابد. همچنین، اگر ماهنگی متناقض بین روسیه، چین، هند و ایران به وجود نیاید یا به عبارات بهتر سازمان همکاری و شانگهای از قدرت خوبی در منطقه برخوردار شوند اینکته بتوانند در برابر سیاست‌های غرب اقدامات مثبتی انجام دهند، این وضعیت برای افغانستان هم تأثیر مثبتی خواهد داشت و امنیت به این کشور برمی می گردد. در غیر این صورت، اگر کشور کشورها به منطقه به همین شکل کنونی ادامه بدهند و وضعیت افغانستان نیز چندان بدست نخواهد یافت.



باتوجه به اعلام آژانس‌های اطلاعاتی امریکا چهار کشور قدرتمند اقتصادی (چین، روسیه، هند و ایران) به زودی در شرق ظهور خواهند کرد و امریکایی‌ها پیش‌بینی کرده‌اند که قدرت غرب به شرق منتقل خواهد شد و گسترش دادن دانش به سمت کشورهای آسیای مرکزی و حتی خود چین در این راستا انجام می‌شود تا در این کشورها مشکلات رایج ایجاد کند

همین خاطر، بحث صلح در افغانستان معنا ندارد و اگر وضعیت دولت و حکومت ما به همین منوال بماند، پاکستانی ها با عناوین مختلف با دولت کابل و حکومت افغانستان بازی خواهند کرد تا پیرامه های خود را پیش ببرند.

در صورتی که طالبان حاضر به مذاکره نشود واکنش دولت کابل چه خواهد بود؟

آنچه تاکنون ثابت شده این است که دولت افغانستان از موضع قاطع در برابر طالبان برخودار نبوده است. هم دولت حامد کرزی، رئیس‌جمهور سابق افغانستان و هم دولت فعلی با سیاست تقصیر با طالبان برخورد می‌کند و این نوع سیاست طبیعی است و دولت افغانستان را از موضع قدرتمند بخودرا پی می‌سازد. اگر دولت از موضع قدرت وارد عمل نشود، طالبان هرچه قدر ضعیف باشد کشورهای حامی این گروه از این شرایط سوء استفاده خواهند کرد تا دولت کابل را تحت فشار قرار دهند.

در ماه‌های اخیر افرادی به عنوان داعش در افغانستان ظهور پیدا کرده‌اند و حتی این گروه تروریستی به طالبان اعلان جنگ داده است و هر روز قدرت بیشتری کسب می‌کند، به نظر شما اختلافات در طالبان باعث نمی‌شود که داعش از این فرصت استفاده کند و قدرت خود را افزایش دهد؟

گفت‌وگو با سید عیسی حسینی مزاری مدیر مسئول خبرگزاری صدای افغان

تاریخ مصرف طالبان برای پاکستان تمام شده است

کردن دین اسلام گام بر می دارد. قبل از القاعده و داعش که امروزه در راستای بنیان کردن دین اسلام از سوی غربی‌ها تأسیس شدند، طالبان به‌عنوان پیروزی جهاد افغانستان اولین گروهی بود که در این راستا تأسیس شد و متأسفانه غربی‌ها نتوانستند با استفاده از افکار غربی و وسطایی اینک به تبلیغات علیه اسلام وارد کنند. مهم‌ترین نتیجه افغانستان و مردم این کشور در جهاد ۱۴ ساله برای مسلمانان در جهان افتخار آفریندن و به هستی الگو شدن در جهان اسلام پیش می‌رفتند و حتی در خارج جهاد دینی بر گرفته از جهاد افغانستان شراج شده بود و این حرکت برای غرب بسیار خطرناک بود و آنها سعی کردند تا الگوی جهادی و مبارزاتی را تخریب کنند و اکنون مردم افغانستان قربانی حرکت خود شده‌اند که در زمان جهاد کسب کردند.

آیا پاکستانی‌ها این مسئله را درک نمی‌کنند که وجود نامنی و بی‌ثباتی در افغانستان به ضرر پاکستان هم است. زیرا نام‌ن شدن افغانستان مرزهای پاکستان را هم تهدید می‌کند. پس چرا باز هم به درگیری‌ها در افغانستان دامن می‌زنند؟

این شرایط خیلی به ضرر پاکستان نیست. شاید پاکستان تعداد فراوانی‌ها خود را تحمل می‌کند که با منافع کلان ریز دسدت پیدا کنند. نه تنها مرزهای افغانستان حتی در داخل پاکستان هم عملیات انتحاری انجام می‌شود. کسانی که در افغانستان مصالح عمومی پاکستان عمل می‌کنند راضی‌تر زادی در تعاملات پشتی مره ندارند و یک گروه محدودی هستند که در سازمان اطلاعات پاکستان «اس‌ای» و ارتش این کشور هستند که مطابق مصالح و منافع پاکستان و در برابر کشور عمل نمی‌کنند. اگر اینها به مردم منافع پاکستان بودند باید از سال‌ها پیش این وضعیت را مدیریت و مشکلاتشان را با افغانستان حل می‌کردند و در راستای امنیت پاکستان حرکت می‌کردند ولی این افراد برای اینکه در پاکستان ثبات و امنیت برقرار سازند، تلاش نمی‌کنند. بنابراین، این افراد در مسیر منافع کلان کشورهای طرف‌تمند خارجی در منطقه در رابطه با افغانستان حرکت نمی‌کنند.

به نظر می‌رسد بعد از مرگ ملا عمر، نوعی بحران هویت داخل طالبان به وجود آمده و حتی انفجارهای اخیر



حساس باشند و به بی‌ثباتی‌ها در این کشور
دامن بزنند.

موضوع سوم، اینکه افغانستان گذرگاهی برای بازارهای آسیای مرکزی است و این موضوع برای پاکستان بسیار مهم است که می‌تواند کالاهای تولیدی خود را از مسیر افغانستان به این منطقه صادر کند. بنابراین سببی دارد در افغانستان حواله‌دهی حکومتی به پاکستان که مطابق اهداف و سیاست‌های پاکستان عمل کند تا منافع آنها را تأمین نماید. پاکستان، افغانستان گذرمند را در کنار مرزهای خود برمی‌تابد و گذشته از افغانستان از سابقه پیش از ۵ هزار ساله برخوردار است در حالی که تاریخ پاکستان کمتر از ۱۰۰ سال است و این رقابت و حسادت باعث می‌شود تا تنش‌ها و تخریب و تضعیف افغانستان پدید آید.

مطلب دیگری که در رابطه با خرابکاری پاکستان مطرح است اینکه اصولاً با توجه به ساختار نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پاکستان و با توجه به آماده بودن بسترهای مناسب، سایر کشورهایی که در افغانستان منافع دارند از طریق پاکستان سعی دارند در افغانستان جنجال ایجاد کنند. امروزه بسیاری از طرح‌های استعماری

و استکباری غربی‌ها از طریق پاکستان انجام می‌شود و چنانچه خود بی نظیر بود، نخست وزیر پیشین پاکستان اعتراف کرد بود که پاکستان در امر یکپایه‌ها با طرح و برنامه انگلیسی‌ها و با پول و امکانات عربستان، طالبان را ایجاد کردیم، یعنی پاکستان در اصل مجری سیاست‌های غرب علیه افغانستان بوده است و از سال‌ها پیش طالبان را به عنوان یک گروه زیرپشتی تأسیس کردند تا در افغانستان ناامنی ایجاد کنند. در سال ۱۳۷۳ شمسی وقتی نیروهای طالبان وارد افغانستان شدند برانگیزهای زیادی را در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی افغانستان به وجود آوردند.

اصول اقداماتی که طالبان در افغانستان انجام داد سبب شد تا ضربات مهلکی از ناحیه این گروه علیه دین و افکار مذهبی مسلمانان جهان وارد شود. اگر غرب سالانه میلیاردها دلار علیه اسلام و مسلمانان به خصوص علیه افغانستان که پس از پیروزی علیه ارتش شوروی افغانستانی نصیب این کشور شده بود، هزینه می کرد الان با استفاده از گروه‌های توریستی این کار را رانجام می‌دهد و از طریق خود مسلمانان در جهت بدنام



با مرگ «علا محمد عمر» کار طالبان افغانستان نیز وارد مراحل پیچیده‌ای شده که هنوز روند مذاکرات صلح با کابل را تحت تأثیر قرار دهد. بحران شریعت روستا و بروز شکاف‌های درون گروهی این طالبان در راه‌های ادامه قرار داده است. همچنین شکاف داخل طالبان، آینده مذاکرات صلح با دولت کابل نیز مشخص نیست. در حالی که ملا اختر منصور، رهبر جدید طالبان افغانستان در اولین پیام خود به دو خواهران انجم هسه گروه‌های تشکیل دهنده این گروه شد، اما واکنش‌های برخی اعضای گروه به انتخاب وی و بیانگر شکاف و اختلاف عمیق در بدنه طالبان است. الان جنگ و مذاکرات طالبان دست‌نخورده‌ای جدیدی در داخل این گروه ایجاد کرده است و بین اعضای طالبان بر سر این موضوع که آیا باید مبارزه با دولت و ادامه داد یا اینکه صلح با دولت را بپذیرد اختلاف نظر و دو دسته‌ای ایجاد شده است و همین مسئله کار را برای ادامه جنگ این گروه دشوار کرده است. ادامه این اختلافات با توجه به ظهور تروریست‌های داعش در افغانستان می‌تواند به تضعیف طالبان و قدرت‌یابی داعش منجر شود. سید عیسی حسینی مزاری، مدیر مسئول خبرگزاری صدای افغان و کارشناس مسائل افغانستان می‌گوید: اختلافاتی که پس از تأیید خبر مرگ ملا عمر در طالبان ایجاد شده یک طرح برنامهریزی شده است تا طالبان را تضعیف کنند. مزاری می‌گوید: «با کستان افغانستان قدرتمند را در کنار مرزهای خود بر نمی‌تابد و از اینرو سعی می‌کند تا حکومتی در افغانستان روی کار باشد که مطابق اهداف و سیاست‌های پاکستان حرکت کند». به گفته او، داعش در افغانستان از قدرت و اقتدار بر خوردار نخواهد شد زیرا مردم این کشور باتوجه به روحیات و افکار که دارند از حضور تروریست‌های داعش به هیچ وجه استقبال نخواهند کرد. برای بررسی تحولات افغانستان با مزاری به گفت‌وگو نشستیم. او از سال ۱۳۵۷ در مبارزات سیاسی بوده و از سال ۱۳۶۱ وارد مبارزات جهادی علیه نرواهای شوروی شده است. مزاری از سال ۱۳۷۰ تشکیلاتی را بنام فعالیت‌های فرهنگی تبیان و سال ۱۳۷۱ هفته‌نامه است که ترموز می‌شد. خبرگزاری صدای افغان که در ۱۳۸۰ بنیان‌بنیاد اولین خبرگزاری خصوصی در افغانستان است که او اکنون ریاست آن را بر عهده دارد. روزنامه انصاف نیز که یکی از معتبرترین روزنامه‌های افغانستان است به صاحب امتیاز و مدیرمسئولی مزاری چاپ می‌شود و علاوه بر همه اینها او ناشران چندین آیه‌الله سکارم شیرازی در کل افغانستان است.

آقای مزاری: الان باتوجه به مرگ ملا محمد عمر رهبر سابق طالبان و جانشینی ملا اختر منصور، شکافهایی در این گروه ایجاد شده است و حتی برخی فرماندهان ارشد طالبان در مقابل منصور صف آرای کرده اند و وی را مسئول مرگ ملا عمر می دانند. به نظر تان این اختلافات چه پیامدهایی برای آینده خواهد داشت؟ آیا اختلافات درونی موجب تضعیف این گروه خواهد شد؟

به هر حال طبیعی است که وجود اختلافات و شکاف پس از مرگ کلامبر تأثیر منفی روی گروه طالبان خواهد گذاشت و اصولاً این یک حد حرکت برنامه ریزی شده برای تضعیف طالبان است. شاید به زعم این است که تبعه صرف طالبان تمام شده و با این اقدامات می خواهند زمینه را برای از بین بردن طالبان فراهم کنند. با این حال، این اختلافات بر اساس طرح و برنامه باشد یا نباشد طبیعتاً روی لایه های مختلف طالبان تأثیر منفی خواهد داشت و منجر به تضعیف آن خواهد شد.

این طرح ضد طالبان که گفتید، صرفاً از سوی پاکستان برنامه‌ریزی شده یا کشورهای دیگر نیز در این امر دخیل هستند؟

اصولاً نامی‌هایی که الان در افغانستان وجود دارد ریشه داخلی آن بسیار کم است. اگرچه بیشتر اصلی نامی در افغانستان وجود دارد، ولی این معنی‌ها استفاده نمی‌شود و ریشه بیشتر بی‌ثباتی‌ها و نامی‌ها در خارج از مرزهای افغانستان جریان دارد. حتی تائیس گروه‌های مخفی‌اتروریستی با استفاده از نیروهای داخلی افغانستان همه طرح و نقشه کشیده‌ای است که منافع گسترده‌ای در داخل افغانستان ندارد و این کشورها سعی می‌کنند با نام‌کردن افغانستان خود را تأمین کنند و در این بین پاکستان نقش مهمی ایفا می‌کند.

هدف پاکستان از ایجاد نامنی‌ها در داخل افغانستان چیست؟

پاکستان منافع زیادی در افغانستان دارد. یکی از این منافع این است که پاکستان، به افغانستان به عنوان عقبه سیاسی، نظامی و فرهنگی خود به خصوص در مقابله با هندوستان می‌نگرد. با توجه به تضاد منافع که پاکستان با هند دارد، مسئله می‌گردد تا حضور قدرتی در افغانستان داشته باشد.

مطالب خود را برای پاکستان بسیار اهمیت دارد چرا که مرزی دیرپودن است. این خط مرزی که نماد دوران استعمار است براساس تصمیم و سیاست‌های انگلیس انجام شد و بر طبق آن قرار شد که بخش زیادی از خاک افغانستان به پاکستان ضمیمه شود و تحت تسلط این کشور باشند. قرارداد این خط مرزی حدود ۱۰۰ سال بود که مهلت آن سال‌های پیش به اتمام رسیده است. به همین خاطر، پاکستان نگران است که اگر افغانستان امروزی، باثبات و قدرتمند در کنار مرزهای خود داشته باشد قطعاً به دنبال احقاق حق خود خواهد بود و سعی خواهد کرد تا خاک از دست رفته خود را دوباره از پاکستان پس بگیرد. به همین منظور، پاکستان، افغانستان ضعیف را در مرزهای خود ترجیح می‌دهد، حتی اگر نامنی‌های داخل افغانستان تبعات منفی برای پاکستان داشته باشند.

از آنجا که خاک افغانستان تا نزدیکی شهر اسلام آباد، پایتخت پاکستان امتداد دارد و اگر افغانستان به دنبال بازگرداندن خاک خود باشد این وضعیت تأثیر بسیار منفی بر پاکستان خواهد داشت و همین مسئله سبب شده تا مقامات پاکستانی همیشه نسبت به همسایه شمالی خود